



The Due Diligence Obligation of Arms-Exporting States in Preventing Violations of Human Rights and International Humanitarian Law

Maryam Ebrahimi¹, Soudeh Shamlou^{2*}, Atefeh Aminnia³

1. Department of International Law, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Public International Law, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Department of Public International Law, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original

Research

Pages: 145-164

Article history:

Received: 1 Jun 2026

Edition: 14 Jun 2026

Accepted: 21 Jul 2026

Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

Arms Exports, Due Diligence, International Responsibility of States, Human Rights, International Humanitarian Law, Arms Trade Treaty.

Corresponding Author:

Soudeh Shamlou

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Tehran Central Branch, Department of Public International Law.

Orchid Code:

0000-0002-5477-4170

Email:

S.shamlou@iauctb.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: The expansion of international arms trade and the increasing role of states in the transfer of various types of conventional weapons have made the issue of the international responsibility of exporting states one of the important topics in contemporary international law. Although the direct commission of violations of human rights and international humanitarian law is often attributed to the state or actor using the weapons, the role of the exporting state in causing, facilitating, or perpetuating such violations cannot be denied.

Materials and Methods: The present article adopts a descriptive-analytical approach. The materials and data are qualitative, and note-taking and card-based documentation were used in collecting the relevant materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty, and academic integrity have been observed.

Findings: The research indicates that the Arms Trade Treaty, the jurisprudence of the International Court of Justice, and the rules governing the international responsibility of states have provided the basis for the development of a prevention-based system of responsibility that goes beyond the traditional model of directly attributing a wrongful act.

Conclusion: The due diligence obligation, as one of the fundamental principles of contemporary international law, requires exporting states to assess, prior to authorizing arms exports, the risk that such weapons may be used to commit serious violations of human rights and international humanitarian law and, where a serious risk exists, to refrain from transferring the weapons. The main question of the present research is: What are the legal basis and scope of the due diligence obligation of arms-exporting states under international law, and what consequences does the violation of this obligation have for the international responsibility of states?

Cite this article as:

Ebrahimi, M; Shamlou, S & Aminnia, A. "The Due Diligence Obligation of Arms-Exporting States in Preventing Violations of Human Rights and International Humanitarian Law". 2026.



دوره سوم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۵

تعهد دقت لازم دولت‌های صادرکننده سلاح در پیشگیری از نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی

مریم ابراهیمی^۱، سوده شاملو^{۲*}، عاطفه امین‌نیا^۳

۱. گروه حقوق بین‌الملل، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: گسترش تجارت بین‌المللی تسلیحات و افزایش نقش دولت‌ها در انتقال انواع سلاح‌های متعارف، مسأله مسئولیت بین‌المللی دولت‌های صادرکننده را به یکی از موضوعات مهم حقوق بین‌الملل معاصر تبدیل کرده است. هرچند ارتکاب مستقیم نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی غالباً به دولت یا بازیگر استفاده‌کننده از سلاح منتسب می‌شود، اما نقش دولت صادرکننده در ایجاد، تسهیل یا استمرار چنین نقض‌هایی قابل انکار نیست.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: پژوهش حاکی از آن است که معاهده تجارت تسلیحات، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها زمینه شکل‌گیری یک نظام مسئولیت مبتنی بر پیشگیری را فراهم کرده‌اند که فراتر از الگوی سنتی انتساب مستقیم عمل متخلفانه عمل می‌کند.

نتیجه: تعهد دقت لازم به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل معاصر، دولت‌های صادرکننده را ملزم می‌سازد پیش از صدور مجوز صادرات تسلیحات، خطر استفاده از این تسلیحات در ارتکاب نقض‌های جدی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه را ارزیابی کنند و در صورت وجود خطر جدی از انتقال سلاح خودداری نمایند. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که تعهد دقت لازم دولت‌های صادرکننده سلاح در حقوق بین‌الملل چه مبنا و قلمرویی دارد و نقض این تعهد چه آثاری بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بر جای می‌گذارد؟

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۶۴-۱۴۵

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

دقت لازم، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، معاهده تجارت تسلیحات.

نویسنده مسئول:

سوده شاملو

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، گروه حقوق بین‌الملل عمومی.

کد ارکید:

۴۱۷۰-۵۴۷۷-۰۰۰۲-۰۰۰۰

پست الکترونیک:

S.shamloo@iauctb.ac.ir

۱. مقدمه

تجارت بین‌المللی تسلیحات یکی از مهم‌ترین ابعاد نظام امنیتی و اقتصادی جهان معاصر به‌شمار می‌رود. بر اساس گزارش‌های منتشرشده توسط مؤسسات بین‌المللی، حجم مبادلات جهانی تسلیحات طی دو دهه اخیر به‌طور مستمر افزایش یافته و بخش قابل توجهی از مخاصمات مسلحانه معاصر با استفاده از تسلیحاتی انجام شده است که از سوی دولت‌های ثالث تأمین گردیده‌اند (گری، ۲۰۱۸، ۴۱۲). این وضعیت موجب شده است که نقش دولت‌های صادرکننده سلاح از یک بازیگر صرفاً اقتصادی به کنشگری با مسؤولیت‌های حقوقی و انسانی گسترده‌تر تبدیل شود (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۴۵).

در نظام سنتی حقوق بین‌الملل، مسؤولیت دولت‌ها عمدتاً بر مبنای انتساب مستقیم رفتار متخلفانه استوار بود؛ بدین معنا که تنها دولتی مسئول شناخته می‌شد که شخصاً مرتکب نقض تعهدات بین‌المللی شده باشد. با این حال، تحولات حقوق بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم و گسترش قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، رویکرد جدیدی را در زمینه مسؤولیت دولت‌ها پدید آورده است. در این رویکرد، دولت‌ها علاوه بر خودداری از نقض مستقیم تعهدات بین‌المللی، مکلف به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه برای جلوگیری از وقوع نقض نیز هستند (کرافورد، ۲۰۱۳، ۲۲۵).

ظهور مفهوم «دقت لازم» (Due Diligence) یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این تحول محسوب می‌شود. دقت لازم، دولت‌ها را موظف می‌سازد در حوزه‌هایی که احتمال ورود آسیب به حقوق بنیادین افراد یا

جامعه بین‌المللی وجود دارد، اقدامات معقول و متنا سبی را برای پیشگیری از وقوع خسارت اتخاذ کنند. این تعهد در حوزه‌های مختلفی از جمله حفاظت محیط‌زیست، مبارزه با تروریسم، پیشگیری از نسل‌کشی و همچنین کنترل صادرات تسلیحات مورد شناسایی قرار گرفته است (شاو، ۲۰۲۱، ۶۵۴). تحول در ساختار هنجاری قواعد اولیه و ثانویه حقوق بین‌الملل، بازخوانی تکالیف حمایتی دولت‌ها را در قبال صیانت از کرامت انسانی به یک ضرورت گریزناپذیر تبدیل کرده است (ممتاز، ۱۳۹۸، ۴۵).

در طول قرن بیستم، دکترین سنتی حاکمیت که بر مدار مطلق‌گرایی و برتری منافع ملی بر تعهدات فرامرزی می‌چرخید، فضایی امن برای رشد بی‌ضابطه تجارت تسلیحات فراهم آورده بود (گری، ۲۰۱۸، ۴۱۸). در این پارادایم کلاسیک، انتقال تسلیحات به‌عنوان ابزاری مشروع در راستای اعمال سیاست خارجی، توازن قوا و تقویت بازدارندگی استراتژیک قلمداد می‌شد و دولت‌های تأمین‌کننده، کمترین وظیفه‌ای برای رصد مابعد انتقال یا سنجش رفتار حقوق بشری دولت خریدار برای خود قائل نبودند (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۵۲)؛ با این حال، فجایع انسانی ناشی از مخاصمات داخلی و بین‌المللی در دهه‌های پایانی قرن گذشته، جامعه بین‌المللی را با این واقعیت تلخ مواجه ساخت که انباشت بی‌رویه و انتقال بی‌رویه تسلیحات متعارف، محرک اصلی در استمرار نسل‌کشی‌ها، جنایات علیه بشریت و نقض‌های سیستماتیک حقوق بشردوستانه است (شاو، ۲۰۲۱، ۶۶۰).

Blindness) یا بی‌توجهی ساختاری به مقصد نهایی تسلیحات، مرز میان بی‌پناهی حقوقی و مشارکت در جرم را کمرنگ می‌کند (موینیان، ۲۰۱۹، ۱۸). از این منظر، دقت لازم ایجاب می‌کند که ارزیابی خطر به یک استاندارد رفتاری عینی تبدیل شود؛ به‌طوری‌که هرگونه غفلت در شناسایی خریدار نهایی، تحلیل پیشینه رفتاری او و برآورد پتانسیل نقض قوا عد، به‌منزله خطای مستقل حقوقی صادرکننده قلمداد گردد (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۹۵).

علاوه بر این، پیوند ساختاری میان هنجارهای حقوق بین‌الملل بشر (IHRL) و حقوق بشردوستانه بین‌المللی (IHL) در بستر کنترل تسلیحات، ماهیت این تعهد را پویاتر کرده است؛ در حالی که حقوق بشردوستانه بر رفتارهای حین مخاصمات مسلحانه و صیانت از غیرنظامیان تمرکز دارد، حقوق بشر تکالیف گسترده‌تری را حتی در زمان صلح بر دوش دولت‌ها می‌گذارد. تلاقی این دو نظام حقوقی در موضوع صادرات سلاح به این معناست که دولت صادرکننده باید فرآیند ارزیابی خود را به هر دو حوزه تسری دهد؛ یعنی نه‌تنها باید خطر استفاده از سلاح در حملات کور علیه غیرنظامیان را بسنجد، بلکه باید احتمال به‌کارگیری آن تجهیزات در سرکوب‌های داخلی، ناپدیدسازی‌های اجباری یا سلب خودسرانه حق حیات در زمان صلح را نیز مورد واکاوی دقیق قرار دهد (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC)، ۲۰۱۷؛ معاهده تجارت تسلیحات (ATT)، ۲۰۱۳، ماده ۷).

با ورود معاهده تجارت تسلیحات (ATT) به عرصه‌ی حقوق معاهداتی در سال ۲۰۱۳، این الزامات تا پیش از آن پراکنده، در قالب یک سند واحد الزام‌آور تجلی

این آگاهی جمعی، موجد یک شیفت پارادایمی از «حاکمیت به‌مثابه قدرت» به «حاکمیت به‌مثابه مسئولیت» گردید (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۱، ۳۱۸). در این چارچوب نوظهور، مشروعیت بین‌المللی یک دولت نه‌تنها در پایبندی به عدم نقض مستقیم قواعد داخل قلمرو خود، بلکه در میزان همبستگی و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه برای جلوگیری از وقوع جنایات در خارج از مرزهای جغرافیایی‌اش تعریف می‌شود (کرافورد، ۲۰۱۳، ۲۲۸). بر این اساس، دکترین حقوقی با تکیه بر مفهوم «تعهدات عام‌الشمول» (Erga Omnes) استدلال می‌کند که تمامی اعضای جامعه بین‌المللی در پاسداشت هنجارهای بنیادین حقوق بشر ذینفع و مسئول هستند و هیچ دولتی نمی‌تواند با تدارک مادی و تسلیحاتی ساختارهای ناقض حقوق بین‌الملل، خود را پشت نقاب حاکمیت یا قراردادهای تجاری پنهان سازد (موینیان، ۲۰۱۹، ۱۵).

در این میان، بازخوانی مفهوم «دقت لازم» (Due Diligence) به‌عنوان یک هنجار رفتاری انعطاف‌پذیر اما الزام‌آور، ابزار حقوقی لازم را برای صیانت از این ارزش‌ها فراهم آورده است. دقت لازم که ریشه در قواعد عرفی مرتبط با مسئولیت دولت در قبال آسیب‌های فرامرزی دارد، در حوزه صادرات تسلیحات تکالیف مثبتی را بر عهده صادرکنندگان قرار می‌دهد (کرافورد، ۲۰۱۳، ۲۳۵)؛ این تعهد، دولت‌ها را از وضعیت انفعال خارج کرده و به یک فرآیند فعالانه، مستمر و مبتنی بر ریسک سوق می‌دهد. به بیانی دیگر، اگرچه یک دولت صادرکننده ممکن است شخصاً قصد نقض حقوق بشر را نداشته باشد، اما پدیده «جهل ارادی» (Willful

یافتند (معاهده تجارت تسلیحات، ۲۰۱۳، ماده ۷). معاهده با نظام‌مند کردن مفهوم ارزیابی خطر و معرفی شاخص «خطر غالب»، تلاش کرد تا یک استاندارد جهانی یکنواخت خلق کند (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۱۴۸). این سند به وضوح نشان داد که تعهد دقت لازم یک مفهوم تزئینی یا اخلاقی نیست، بلکه یک «قاعده اولیه» حقوقی است که نقض آن مستقیماً نظام قواعد ثانویه مسئولیت بین‌المللی را فعال می‌کند (کرافورد، ۲۰۱۳، ۲۴۲).

چالش بنیادینی که امروزه محاکم بین‌المللی و دکترین حقوقی با آن مواجه هستند، چگونگی احراز رابطه سببی میان ترک فعل دولت صادرکننده (عدم رعایت دقت لازم) و رفتارهای متخلفانه دولت واردکننده است (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۱۵۰). در شرایطی که منازعات معاصر پیچیده‌تر شده و استفاده از بازیگران غیردولتی نیابتی افزایش یافته است، تعیین حدود و ثغور این تکالیف و مکانیسم‌های پاسخگویی فرامرزی دولت‌ها، به یکی از چالش‌برانگیزترین پدیده‌های حقوق بین‌الملل معاصر بدل شده است که نیازمند تبیین همه‌جانبه مبانی نظری و رویه‌های عملی است (شاو، ۲۰۲۱، ۶۶۵).

اهمیت این موضوع به‌ویژه پس از تصویب معاهده تجارت تسلیحات ۲۰۱۳ (Arms Trade Treaty) افزایش یافته است. این معاهده برای نخستین بار در سطح جهانی دولت‌های صادرکننده را مکلف نمود پیش از صدور مجوز صادرات تسلیحات، خطر استفاده از آن‌ها در ارتکاب نقض‌های جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی را ارزیابی کنند. در نتیجه، مسئولیت دولت صادرکننده دیگر صرفاً به رعایت تشریفات اداری محدود نیست، بلکه مستلزم

انجام ارزیابی‌های حقوقی و انسانی دقیق پیش از انتقال تسلیحات است (معاهده تجارت تسلیحات، ۲۰۱۳، ماده ۷). بر این اساس، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش است که تعهد دقت لازم دولت‌های صادرکننده سلاح در حقوق بین‌الملل معاصر بر چه مبانی حقوقی استوار است و نقض این تعهد چه تأثیری بر تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها دارد؟

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

پژوهش حاکی از آن است که معاهده تجارت تسلیحات، رویه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها زمینه شکل‌گیری یک نظام مسئولیت مبتنی بر پیشگیری را فراهم کرده‌اند که فراتر از الگوی سنتی انتساب مستقیم عمل متخلفانه عمل می‌کند.

۵. بحث

۵-۱. مفهوم دقت لازم در حقوق بین‌الملل

مفهوم «دقت لازم» از جمله مفاهیمی است که اگرچه تعریف واحد و جامعی از آن در حقوق بین‌الملل ارائه نشده، اما به تدریج در رویه قضایی و اسناد بین‌المللی جایگاه تثبیت‌شده‌ای یافته است. به‌طور کلی، دقت لازم به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که یک

مادی هر حاکمیتی است- بلکه آن‌ها را مکلف می‌سازد تا تمام ابزارها، قوانین، سیستم‌های نظارتی و مکانیسم‌های اجرایی معقول و متناسب را برای پیشگیری و کاهش خطر به کار بندند (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۸۶).

بر این اساس، اگر با وجود اتخاذ تمام تدابیر استاندارد و مراقبت‌های عقلانی، بازهم خسارتی در کشور مقصد به بار آید، دولت صادرکننده از مسؤولیت بین‌المللی مبرا خواهد بود؛ عکس این قضیه نیز صادق است، اگر دولتی هیچ اقدامی برای ارزیابی و پیشگیری انجام ندهد، حتی در صورت عدم وقوع خسارت نهایی، تعهد اولیه دقت لازم خود را نقض کرده و فعل متخلفانه مستقل محقق شده است (موینیان، ۲۰۱۹، ۲۲).

دکترین حقوقی برای سنجش میزان پایبندی یک کنشگر به این تعهد، «استاندارد عینی دولت متعارف» (Objective Standard of a Reasonable State) را توسعه داده است که بر پایه سه عنصر قابلیت پیش‌بینی خطرات، ظرفیت و توانایی مادی پیشگیری (میزان نفوذ) و در نهایت تناسب تدابیر اتخاذشده با عمق خطرات احتمالی استوار است (هسبروگه، ۲۰۱۷، ۹۱۹-۸۹۹).

در حوزه‌ی تخصصی صادرات تسلیحات، این تعهد واجد ابعادی فرامرزی و حمایتی است؛ به‌طوری که فرآیند صدور مجوز صادرات را که ظاهراً یک عمل اداری داخلی در چارچوب صلاحیت انحصاری ملی است، مستقیماً به زنجیره تعهدات بین‌المللی دولت متصل می‌کند (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۱۴۲). دولت صادرکننده نمی‌تواند ادعا کند که پس از خروج سلاح از مرز هایش، هیچ تکلیفی در قبال نحوه

دولت متعارف و مسئول در شرایط مشابه برای جلوگیری از ورود خسارت یا نقض تعهدات بین‌المللی اتخاذ می‌کند (کرافورد، ۲۰۱۳، ۲۳۱).

ویژگی اصلی تعهد دقت لازم آن است که تعهد به‌وسیله محسوب می‌شود نه تعهد به نتیجه. به بیان دیگر، دولت مکلف نیست وقوع نقض را به‌طور مطلق منتفی سازد، بلکه موظف است تمامی اقدامات معقول و متناسب را برای جلوگیری از آن به کار گیرد. بنابراین، معیار ارزیابی مسؤولیت دولت نه وقوع یا عدم وقوع نتیجه، بلکه میزان تلاش و اقدامات پیشگیرانه دولت است (شاو، ۲۰۲۱، ۶۵۶). در ادبیات حقوق بین‌الملل، دقت لازم اغلب با مفاهیمی چون «تعهد پیشگیری» (Obligation to Prevent) و «تعهد مراقبت» (Duty of Care) پیوند خورده است (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۸۴).

تحلیل عمیق‌تر ریشه‌شناسی و ماهیت حقوقی تعهد دقت لازم نشان می‌دهد که این مفهوم، نوعی استاندارد رفتاری انعطاف‌پذیر اما الزام‌آور است که تکامل آن مستقیماً با مسؤولیت مدنی و تکالیف مرتبط با «مراقبت متعارف» (Reasonable Care) در نظام‌های حقوقی داخلی پیوند دارد (کرافورد، ۲۰۱۳، ۲۳۳).

در فرآیند ورود این مفهوم به حقوق بین‌الملل عمومی، دکترین حقوقی تبیین کرده است که دقت لازم بیش از آنکه یک قاعده مادی ثابت باشد، یک «معیار سنجش رفتار» (Standard of Conduct) است (شاو، ۲۰۲۱، ۶۵۵). بدین معنا که حقوق بین‌الملل از دولت‌ها انتظار ندارد که وقوع هرگونه نقض یا خسارت را در سطح جهان به صفر مطلق برسانند -چراکه چنین امری عملاً خارج از توان

به کارگیری آن ندارد؛ بلکه هنجار دقت لازم، یک «وظیفه مراقبت پویا و مستمر» (Continuous Duty of Care) را ایجاد می‌کند (کلافام و کیسی-ماسلن، ۲۰۱۴).

علاوه بر این، مفهوم دقت لازم به شدت با دکترین «نفی جهل ارادی» (Rejection of Willful Blindness) پیوند خورده است؛ در دنیای پیچیده امروز، دولت‌ها دیگر نمی‌توانند با امتناع عمدی از تحقیق یا نادیده گرفتن شواهد عینی ارائه شده توسط نهادهای ناظر، مدعی عدم آگاهی از خطرات انتقال سلاح شوند، چراکه تعهد دقت لازم، تکلیفی مثبت برای تفحص، تقصیرزدایی پیشینی و شفافیت ساختاری ایجاد می‌کند (بارتولینی، ۲۰۲۴، ۱۰۵۴-۱۰۲۹).

۵-۱-۱. جایگاه دقت لازم در رویه قضایی بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین منابع شناسایی تعهد دقت لازم، رویه محاکم بین‌المللی است.

قضیه تنگه کورفو (۱۹۴۹): دیوان بین‌المللی دادگستری در این رأی اعلام نمود که هر دولت مکلف است از قلمرو خود به گونه‌ای استفاده کند که موجب ورود خسارت به سایر دولت‌ها نشود. دیوان تصریح کرد که آلبانی به دلیل عدم اتخاذ اقدامات لازم برای هشدار نسبت به وجود مین‌های دریایی، تعهدات بین‌المللی خویش را نقض کرده است (قضیه کورفو چنل، ۱۹۴۹، ۲۲). این رأی مبنای نظری مهمی برای توسعه مفهوم دقت لازم فراهم ساخت.

قضیه نسل‌کشی بوسنی علیه صربستان (۲۰۰۷): دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرد که تعهد

پیشگیری از نسل‌کشی یک تعهد مستقل است و دولت‌ها موظف‌اند در حدود امکانات خود اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع نسل‌کشی را اتخاذ کنند (قضیه بوسنی علیه صربستان، ۲۰۰۷، بند ۴۳۰). دیوان تأکید نمود که معیار ارزیابی این تعهد، میزان نفوذ و توانایی دولت برای تأثیرگذاری بر وضعیت موجود است.

تحلیل بنیادین رویه قضایی نشان می‌دهد که محاکم بین‌المللی، هرچند در ابتدا مفهوم دقت لازم را در بستر روابط همجواری و پیشگیری از خسارات مادی در قلمروهای سرزمینی مجاور بررسی می‌کردند، اما به تدریج این هنجار را به قلمروهای حمایتی حقوق بشر و قواعد آمره تسری داده‌اند (فلسفی، ۱۴۰۲، ۲۰۲).

در همین راستا، دیوان در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه (۱۹۸۶) به طور ضمنی به تکالیف دولت‌ها در کنترل جریان‌های مادی و نظامی فرامرزی اشاره کرد. دیوان در این رأی تصریح نمود که تدارک مادی، لجستیکی و تسلیحاتی که بستر و ابزار نقض قواعد حقوق بشردوستانه را فراهم می‌سازد، در قلمرو تعهدات پیشگیرانه دولت‌ها قرار می‌گیرد و دولت‌ها مکلفند از ارسال تجهیزات که به طور پیش‌بینی‌پذیر در مسیر نقض کنوانسیون‌های ژنو به کار می‌روند، خودداری کنند (قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا، ۱۹۸۶، بند ۲۵۶).

این استدلال قضایی به خوبی با معیار «میزان نفوذ و ظرفیت تأثیرگذاری» (Capacity to Influence) که دیوان در قضیه نسل‌کشی ۲۰۰۷ مقرر کرد، همخوانی دارد (دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، ۲۰۰۷، بند ۴۳۰). در بستر تجارت بین‌المللی

(Overriding Risk) باشد، دولت مکلف است از صدور مجوز خودداری کند (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۱۴۶).

تحلیل ساختاری معاهده تجارت تسلیحات (ATT) نشان می‌دهد که این سند، هنجار عرفی دقت لازم را در قالب یک مکانیسم اجرایی سخت و پیشینی نظام‌مند به حقوق معاهداتی تزریق کرده است. تمرکز اصلی این معاهده بر ایجاد یک لایه نظارتی کارآمد پیش از خروج تسلیحات از قلمرو حاکمیتی دولت صادرکننده است. بر اساس ماده ۶ معاهده، یک لایه «ممنوعیت مطلق» (Absolute Prohibition) پیش‌بینی شده است؛ بدین معنا که اگر دولت صادرکننده در زمان تصمیم‌گیری آگاهی داشته باشد که تسلیحات ارسالی قرار است در ارتکاب نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت یا جنایات جنگی به کار گرفته شوند، صدور مجوز به‌طور کامل و بدون نیاز به ارزیابی‌های ثانویه ممنوع است (معاهده تجارت تسلیحات، ۲۰۱۳، ماده ۶-۷).

اما نوآوری اصلی معاهده در ماده ۷ تجلی می‌یابد که دقیقاً قلمرو تعهد دقت لازم و مدیریت ریسک را تبیین می‌کند (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۱۴۸). در این ماده، حتی اگر ممنوعیت‌های مطلق ماده ۶ احراز نشود، دولت صادرکننده همچنان موظف است یک فرآیند «ارزیابی خطر عینی و بی‌طرفانه» (Objective Risk Assessment) را طی کند. در این فرآیند، دولت باید بسنجد که آیا صادرات مزبور به صلح و امنیت جهانی صدمه می‌زند یا اینکه تسلیحات ممکن است برای نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر به کار روند (معاهده تجارت تسلیحات، ۲۰۱۳، ماده ۷).

تسلیحات، این استاندارد قضایی مستقیماً بر دولت‌های تأمین‌کننده سلاح بار می‌شود؛ چراکه یک دولت صادرکننده به‌عنوان منبع اصلی تغذیه مادی یک ماشین جنگی، بالاترین میزان نفوذ و اهرم فشار را بر رفتار دولت خریدار داراست (زمانی، ۱۴۰۰؛ دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲۰۰۷، بند ۴۳۰).

از این‌رو، قطع یا تعلیق ارسال تسلیحات، اثربخش‌ترین تدبیر متناسبی است که یک دولت می‌تواند در راستای رعایت دقت لازم و پیشگیری از وقوع جنایات بین‌المللی در خارج از مرزهای خود اتخاذ کند؛ بنابراین، توسعه رویه قضایی بین‌المللی تأیید می‌کند که مسئولیت دولت صادرکننده، ناشی از غفلت در اعمال این نظارت‌های پیش‌بینی‌پذیر و استمرار ارسال ابزارهای مادی نقض هنجارهاست (شاو، ۲۰۲۱، ۶۷۲).

۵-۱-۲. معاهده تجارت تسلیحات و تعهد ارزیابی خطر

تصویب معاهده تجارت تسلیحات در سال ۲۰۱۳ نقطه عطفی در تحول حقوقی کنترل صادرات تسلیحات محسوب می‌شود. مطابق ماده ۶ معاهده، انتقال تسلیحات در صورتی که ناقض تحریم‌های شورای امنیت یا تعهدات بین‌المللی دولت باشد، ممنوع است. افزون‌بر این، ماده ۷ دولت‌های صادرکننده را مکلف می‌سازد پیش از صدور مجوز صادرات، احتمال استفاده از تسلیحات در ارتکاب نقض‌های جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی، حقوق بشر، جرائم سازمان‌یافته فراملی و تروریسم را ارزیابی کنند (معاهده تجارت تسلیحات، ۲۰۱۳، ماده ۷). چنانچه نتیجه این ارزیابی وجود «خطر غالب»

نکته کلیدی در دکترین حقوقی، تفسیر آستانه حقوقی «خطر غالب» (Overriding Risk) در این معاهده است. خطر غالب به این معناست که اگر پس از بررسی شواهد، گزارش‌ها و سابقه‌ی رفتار دولت خریدار، مشخص شود که احتمال استفاده نامشروع از تسلیحات بر احتمال استفاده مشروع و دفاعی آن چربش و غلبه دارد، دولت صادرکننده الزاماً باید از صدور مجوز خودداری کند (موینیان، ۲۰۱۹، ۴۲).

معاهده به منظور تسهیل رعایت این دقت لازم، به دولت‌ها اجازه داده است تا تدابیر کاهنده خطر (Mitigation Measures) -مانند دریافت تضمین‌های حقوقی تکمیلی یا برقراری سیستم‌های بازرسی مشترک مابعد انتقال- را مدنظر قرار دهند؛ اما دکترین حقوقی تأکید می‌کند که اگر این تدابیر نتوانند آستانه خطر غالب را به یک سطح قابل قبول و امن کاهش دهند، تعهد دقت لازم صادرکننده را ملزم به توقف فوری معامله می‌سازد (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۱۵۵). بدین ترتیب، معاهده تجارت تسلیحات با تبدیل ارزیابی خطر به یک تکلیف قانونی و فرآیندی، معیار سنجش تقصیر و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را از یک نظام واکنشی به یک نظام مبتنی بر مراقبت عقلانی پیشینی ارتقا داده است (معاهده تجارت تسلیحات، ۲۰۱۳ ماده ۷).

۵-۲. ابعاد تعهد دقت لازم در صادرات تسلیحات

تعهد دقت لازم در گام نخست، واجد خصلتی اطلاعاتی و شناسایی است. دولت صادرکننده مکلف است پیش از هرگونه اقدام، به تأیید صحت

مندرجات «گواهی استفاده‌کننده نهایی» (End-User Certificate) بپردازد. این ارزیابی نباید صرفاً شکلی باشد، بلکه نیازمند بررسی ماهوی در خصوص سابقه رفتار خریدار است.

خطری که در این مرحله وجود دارد، پدیده «انحراف تسلیحات» (Arms Diversion) است؛ یعنی فرآیندی که در آن تسلیحات به‌طور قانونی به یک دولت فروخته می‌شوند، اما در زنجیره انتقال به سمت بازیگران غیردولتی یا گروه‌های مسلح منحرف می‌گردند. بر اساس هنجار دقت لازم، اگر شواهدی مبنی بر ضعف ساختاری دولت خریدار در حفظ مخازن تسلیحاتی وجود داشته باشد، دولت صادرکننده باید از صدور مجوز امتناع ورزد (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۱۵۲).

۵-۲-۱. ارزیابی نوع استفاده از تسلیحات

صرف انتقال سلاح موجب مسئولیت نیست، بلکه باید بررسی شود که آیا احتمال استفاده از آن در ارتکاب جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت یا نقض‌های شدید حقوق بشر وجود دارد یا خیر. دولت صادرکننده باید سابقه دولت خریدار را در مخاصمات قبلی ارزیابی کند (گری، ۲۰۱۸، ۴۱۵). اگر سیستم قضایی و نظامی کشور خریدار فاقد سازوکارهای پاسخگویی در قبال نقض حقوق بشردوستانه باشد، احتمال استفاده نامشروع از تسلیحات بالا ارزیابی شده و مانع از شکل‌گیری معامله قانونی می‌شود (شاو، ۲۰۲۱، ۶۵۹). تبیین دقیق معیار «نوع استفاده از تسلیحات» مستلزم تفکیک میان کارکرد مشروع و متعارف ابزارهای نظامی (دفاع مشروع و حفظ نظم عمومی داخلی) و کارکرد غیر مشروع و ممنوع آن‌ها

کردن رقیب استوار باشد، احتمال به کارگیری تسلیحات صادراتی نوین در مسیر نقض فاحش قواعد، یک امر کاملاً پیش‌بینی‌پذیر (Foreseeable) قلمداد می‌شود (شاو، ۲۰۲۱، ۶۸۰). همچنین، وجود پدیده شبه‌نظامیان موازی یا عدم کنترل مؤثر ستاد کل نیروهای مسلح بر واحدهای عملیاتی در کشور مقصد، خطر انحراف نوع استفاده از اهداف دفاعی به سمت رفتارهای خودسرانه و جنایتکارانه را به شدت افزایش می‌دهد (معاهده تجارت تسلیحات، ۲۰۱۳، ماده ۷(۱)(a)-(b)).

۵-۲-۳. ارزیابی تناسب فنی تسلیحات با نیازهای اعلام‌شده

یک دولت صادرکننده در راستای ایفای تعهد دقت لازم، باید «سنخیت و تناسب فنی» تسلیحات سفارشی را با وضعیت ژئوپلیتیک و نیازهای واقعی خریدار بسنجد (معاهده تجارت تسلیحات، ۲۰۱۳، ماده ۷). به عنوان مثال، اگر دولتی که درگیر هیچ‌گونه مخاصمه مسلحانه بین‌المللی نیست و صرفاً با ناآرامی‌های محدود داخلی مواجه است، اقدام به خرید حجم گسترده‌ای از تسلیحات سنگین با قدرت تخریب کور (مانند بمب‌های خوشه‌ای، مو شک‌های بالستیک تاکتیکی یا سیستم‌های توپخانه‌ای سنگین) نماید، صادرکننده بر اساس استاندارد «عقلانیت حقوقی» باید درک کند که نوع استفاده فرضی از این تسلیحات، با الزامات حفظ نظم داخلی همخوانی نداشته و به احتمال زیاد در مسیر سرکوب خشن یا حملات غیرمتناسب به کار خواهد رفت (معاهده تجارت تسلیحات، ۲۰۱۳، ماده ۷؛ لابی‌انکو، ۲۰۲۲، ۱۹۰).

(به کارگیری به عنوان ابزار سرکوب یا نقض قواعد هماهنگ بین‌المللی) است (آست، ۲۰۱۴، ۱۷۲).

از منظر حقوق بین‌الملل معاصر، تعهد دقت لازم صادرکننده را مکلف می‌سازد تا از یک پارادایم «ارزیابی ایستا و صوری» به سمت یک «تحلیل پویا، وضعیتی و آینده‌نگر» حرکت کند (مونیپهان، ۲۰۱۹، ۵۲). این بدان معناست که صادرکننده نمی‌تواند صرفاً به اظهارات دیپلماتیک یا تعهدات مکتوب دولت واردکننده مبنی بر استفاده صلح‌آمیز یا تدافعی از تسلیحات اکتفا کند؛ بلکه مکلف است با بهره‌گیری از داده‌های عینی، گزارش‌های گزارشگران ویژه سازمان ملل، مستندات سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و آراء محاکم قضایی، یک «ماتریس ارزیابی خطر احتمالی» (Risk Assessment Matrix) ترسیم نماید (لابی‌انکو، ۲۰۲۲، ۱۸۸). در این پارادایم تحلیلی، دکترین حقوقی چندین شاخص عینی را برای سنجش و پیش‌بینی «نوع استفاده» معرفی می‌کند که غفلت از هر یک، مصداق بارز تقصیر حقوقی و ترک فعل صادرکننده به‌شمار می‌رود.

۵-۲-۲. سنجش دکترین نظامی و ساختار فرماندهی کشور خریدار

اولین گام در رعایت دقت لازم، تحلیل این موضوع است که آیا ساختار نظامی و امنیتی دولت خریدار بر مدار احترام به قواعد حقوق بشردوستانه (IHL) تنظیم شده است یا خیر؟ (کلافام و همکاران، ۲۰۱۶، ۲۴۵)

اگر دکترین جنگی یک کشور بر پایه استراتژی‌های خشن، حملات نامتناسب یا هدف قرار دادن ساختارهای زیست‌محیطی و غیرنظامی برای تسلیم

۵-۲-۴. بررسی پیشینه رفتاری (رویه سیستماتیک نقض قواعد)

قوی‌ترین قرینه برای پیش‌بینی نوع استفاده آتی از تسلیحات، تحلیل رفتار گذشته و حال دولت خریدار است (گری، ۲۰۱۸، ۴۳۲). دکترین حقوق بین‌الملل استدلال می‌کند که اگر دولتی به‌طور مستمر و سیستماتیک، قطعنامه‌های شورای امنیت را نادیده گرفته، به تعهدات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو پایبند نبوده و در مخاصمات اخیر خود از حربه حملات کور علیه اهداف غیرنظامی استفاده کرده است، فرض حقوقی بر این است که هرگونه محموله تسلیحاتی جدید نیز به همان شیوه و در همان مسیر نقض به کار گرفته خواهد شد (موینیان، ۲۰۱۹، ۵۶).

در چنین شرایطی، آستانه هنجاری «خطر غالب» (Overriding Risk) مندرج در ماده ۷ معاهده تجارت تسلیحات کاملاً محقق شده و صادرکننده تعهد قانونی مطلق دارد تا روند فروش را متوقف سازد؛ استمرار ارسال سلاح در این وضعیت، دیگر یک معامله تجاری ساده نیست، بلکه تدارک آگاهانه ابزار مادی برای استمرار یک رویه متخلفانه و جنایت‌بار است (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۱۹۵).

۵-۲-۵. فقدان ساختارهای پاسخگویی و مصونیت از مجازات

همان‌طور که در دکترین اشاره شده است، ساختار قضایی کشور خریدار نقشی تعیین‌کننده در مهار یا تشویق رفتارهای متخلفانه دارد (شاو، ۲۰۲۱، ۶۵۹).

زمانی که سیستم دادرسی نظامی یک کشور، فرماندهان و سربازان خاطی را که مرتکب جنایات جنگی شده‌اند تحت پیگرد قرار نمی‌دهد و نوعی «فرهنگ مصونیت از مجازات» (Culture of Impunity) را بازتولید می‌کند، دولت صادرکننده نمی‌تواند مدعی شود که به فرآیندهای داخلی آن کشور اعتماد دارد. تعهد دقت لازم در اینجا ایجاب می‌کند که صادرکننده، فقدان دادخواهی مؤثر داخلی را به‌عنوان یک «فاکتور تشدیدکننده خطر» ارزیابی کند؛ چرا که وقتی مانع قانونی و هراس از مجازات در ساختار داخلی خریدار وجود نداشته باشد، به‌کارگیری تسلیحات نوظهور در مسیر ارتکاب جنایات، به یک پیامد قطعی و حتمی تبدیل می‌شود (کلافام و همکاران، ۲۰۱۶، ۲۵۰).

از زاویه‌ای دیگر، تحول مفهوم دقت لازم در این بخش، پیوند عمیقی با «نظریه ریسک حقوقی» برقرار کرده است (بارتولینی، ۲۰۲۴، ۱۰۵۴-۱۰۲۹). در این چارچوب، صادرکننده ملزم است سناریوهای مختلف استفاده از سلاح را پیش‌بینی کند. اگر تسلیحات صادرشده از نوعی باشند که پتانسیل بالایی برای دوگانگی عملکرد دارند (مانند پهپادهای شناسایی که به سادگی قابلیت تبدیل به پهپادهای انتحاری را دارند یا سیستم‌های نرم‌افزاری نظارتی که می‌توانند در سرکوب فعالان حقوق بشر به کار روند)، تعهد به پیشگیری تکالیف بسیار سخت‌تری را برای پایش مابعد انتقال بار می‌کند (معاهده تجارت تسلیحات، ۲۰۱۳، ماده ۷).

بر این اساس، محاکم داخلی در برخی کشورهای صادرکننده (مانند آراء صادره از محاکم بریتانیا و هلند در خصوص ممنوعیت صادرات قطعات

و غیرقابل انفکاک» (Continuous and Indivisible) است (آست، ۲۰۱۴، ۱۹۲).

در پارادایم سنتی کنترل تسلیحات، وظیفه‌ی دولت صادرکننده با خروج فیزیکی محموله نظامی از مرزهای جغرافیایی یا فرودگاه‌های تحت حاکمیتش خاتمه‌یافته تلقی می‌شد؛ فرضیه‌ای کلاسیک که بر اساس اصل عدم مداخله و احترام به حاکمیت سرزمینی دولت خریدار استوار بود (گری، ۲۰۱۸، ۴۴۰). با این حال، در حقوق بین‌الملل معاصر، صرف اتکا به ارزیابی‌های پیش‌بینی (Ex-ante Assessment) در زمان صدور مجوز، دیگر برای تبرئه دولت صادرکننده از مسئولیت بین‌المللی کفایت نمی‌کند.

از منظر دکتترین نوین، پایش مابعد انتقال (Post-Shipment/Post-Delivery Monitoring) به‌عنوان متمم و رکن مکمل تعهد دقت لازم شناخته می‌شود؛ چراکه ماهیت مخاصمات مسلحانه و رفتار سیاسی-نظامی دولت‌ها به‌شدت سیال و پیش‌بینی‌ناپذیر است و امن‌ترین مقاصد تسلیحاتی در زمان امضای قرارداد، ممکن است به‌دلیل کودتا، تغییر ناگهانی دکتترین نظامی یا آغاز ناگهانی سرکوب‌های داخلی، در کوتاه‌مدت به کانون فجایع انسانی تبدیل شوند (مونیهان، ۲۰۱۹، ۶۲). بر این اساس، تعهد به نظارت مستمر و مابعد انتقال، تکالیف مثبت و مشخصی را در سه حوزه کلیدی بر عهده دولت‌های صادرکننده بار می‌کند که تحلیل محتوای آن‌ها ماهیت سخت این هنجار را آشکار می‌سازد.

جنگنده‌های F-35 یا سیستم‌های تسلیحاتی به‌دلیل احتمال به‌کارگیری در بحران‌های یمن و غزه تأیید کرده‌اند که وزیر یا نهاد صادرکننده مجوز، نمی‌تواند ارزیابی نوع استفاده را به آینده یا به اراده مطلق خریدار واگذار کند (دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲۰۲۴، بند ۶۲).

رویه قضایی و دکتترین نوین بین‌المللی با صراحت اعلام می‌دارند که «ارزیابی نوع استفاده»، یک تکلیف رویه‌ای صلب است که نقض آن مستقیماً به‌معنای فروپاشی استاندارد دقت لازم بوده و فرآیند انتساب مسئولیت به صادرکننده را به‌عنوان معاون یا مسبب مستقل فجایع انسانی، به شدت تسهیل و تسریع می‌نماید (زمانی و ابراهیمی، ۱۴۰۰، ۹۴۵-۹۶۷؛ کرافورد، ۲۰۱۳، ۴۰۷-۴۰۴).

۵-۳. تعهد به نظارت مستمر و مابعد انتقال (Post-Shipment Monitoring)

دقت لازم محدود به مرحله صدور مجوز نیست. فرآیند دقت لازم با امضای قرارداد یا خروج کالا از مرز پایان نمی‌یابد. دولت صادرکننده در صورت تغییر شرایط و افزایش خطر نقض حقوق بین‌الملل، باید اقدامات مقتضی از جمله تعلیق یا توقف همکاری‌های تسلیحاتی را مدنظر قرار دهد (معاهده تجارت تسلیحات، ۲۰۱۳، ماده ۷). در واقع دولت‌ها موظف به برقراری مکانیسم‌های نظارت مابعد انتقال هستند تا اطمینان حاصل کنند تسلیحات در راستای اهداف اعلام‌شده به کار می‌روند. تکامل دکتترین مسئولیت فرامرزی دولت‌ها، این واقعیت حقوقی را اثبات کرده است که تعهد دقت لازم در حوزه تجارت تسلیحات، واجد ماهیتی «مستمر، پویا

۵-۳-۱. لزوم بازخوانی و ارزشیابی مجدد اطلاعاتی (Continuous Risk Re-evaluation)

دولت صادرکننده مکلف است یک سیستم «هشدار سریع حقوقی» (Legal Early-Warning System) ایجاد کند تا هرگونه تغییر در وضعیت حقوق بشری یا بشردوستانه کشور مقصد را به سرعت رصد نماید (لابیانکو، ۲۰۲۲، ۲۱۰). این تعهد ایجاب می‌کند که به محض انتشار گزارش‌های مستند از سوی کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) یا سازمان‌های ناظر بین‌المللی مبنی بر به‌کارگیری تسلیحات مشابه در اقدامات غیرقانونی توسط کشور خریدار، فرآیند ارزیابی خطر که در زمان صدور مجوز انجام شده بود، فوراً بازگشایی و تجدید شود (کلافام و همکاران، ۲۰۱۶).

استمرار ارسال قطعات یدکی، پشتیبانی فنی یا محموله‌های بعدی یک قرارداد بلندمدت با وجود تغییر عینی شرایط، مصداق بارز تقصیر ساختاری و نقض تعهد اولیه دقت لازم به شمار می‌رود؛ زیرا دولت صادرکننده در این مرحله، با علم و آگاهی ثانویه به بستر نقض قواعد کمک می‌رساند (لیزارازو رودریگز و فالبوش، ۲۰۲۴).

۵-۳-۲. برقراری سازوکارهای راستی‌آزمایی فیزیکی مابعد انتقال (On-Site Verification Mechanisms)

یکی از چالش‌های بنیادین در تحقق نظارت مستمر، چگونگی اعمال آن در قلمرو حاکمیتی یک دولت بیگانه بدون نقض اصل حاکمیت است (شاو، ۲۰۲۱، ۶۹۲). دکترین حقوقی و رویه معاصر دولت‌های پیشرو در کنترل تسلیحات (نظیر برنامه‌های پایش مداوم ایالات متحده و آلمان) نشان می‌دهد که دولت

صادرکننده باید از طریق ابزارهای حقوقی حقوق خصوصی و بین‌المللی، مانند گنجاندن «شرط بازرسی مابعد انتقال» (Post-Delivery Verification Clause) در قراردادهای فروش، حق دسترسی فیزیکی، بازرسی از انبارها و استعلام وضعیت تسلیحات را برای خود محفوظ دارد (فالبوش و دانسارت، ۲۰۲۲).

این شروط قراردادی، ابزار مادی لازم را برای ایفای تعهد دقت لازم در حقوق بین‌الملل عمومی فراهم می‌سازند. اگر دولتی بدون گنجاندن این مکانیسم‌های نظارتی مابعد انتقال اقدام به فروش تسلیحات حساس نماید، عملاً خود را از توانایی مادی برای پیشگیری از انحراف یا سوءاستفاده محروم ساخته و این «ناتوانی خودخواسته»، رافع مسئولیت بین‌المللی او در صورت وقوع جنایات نخواهد بود (آست، ۲۰۱۴، ۱۹۸).

۵-۳-۳. تکلیف به اتخاذ تدابیر اصلاحی و واکنشی (Remedial Measures)

نظارت مستمر صرفاً یک فرآیند اطلاعاتی و تئوریک نیست، بلکه باید به اقدامات عملی منجر شود (مونیپهان، ۲۰۱۹، ۶۵). چنانچه در مرحله نظارت مابعد انتقال مشخص شود که دولت خریدار تعهدات استفاده نهایی را نقض کرده یا تسلیحات را در مسیر سرکوب خشن به کار گرفته است، تعهد دقت لازم، صادرکننده را ملزم به اتخاذ سه گام متوالی می‌سازد: اول) تعلیق فوری مجوزهای صادراتی جاری و متوقف ساختن محموله‌های در حال ارسال.

۵-۴. رابطه تعهد دقت لازم و مسؤولیت

بین‌المللی دولت‌ها

نقض تعهد دقت لازم می‌تواند یک فعل متخلفانه بین‌المللی مستقل تلقی شود؛ حتی اگر دولت صادرکننده مستقیماً در ارتکاب نقض مشارکت نداشته باشد. تعهد دقت لازم یک تعهد اولیه مستقل است. بنابراین، هنگامی که یک دولت صادرکننده فرآیند ارزیابی خطر را نادیده می‌گیرد، یک «فعل متخلفانه بین‌المللی مستقل» مرتکب شده است و مسؤولیت او منوط به این نیست که دولت واردکننده حتماً با آن سلاح‌ها مرتکب جنایت شود؛ زیرا هنجار نقض‌شده، خود تعهد به پیشگیری است (کرافورد، ۲۰۱۳، ۲۴۰).

این تحلیل، ریشه در تفکیک ساختاری میان «تعهدات اولیه» (Primary Rules) و «تعهدات ثانویه» (Secondary Rules) در نظام حقوق مسؤولیت بین‌المللی دارد. تعهد به دقت لازم در قالب پیشگیری از انتقال غیرمسئولانه تسلیحات، یک تعهد اولیه مستقل است که واجد ماهیت «تعهد به رفتار» (Obligation of conduct) می‌باشد. در این دسته از تعهدات، آنچه معیار احراز تخلف حقوقی قرار می‌گیرد، کیفیت رفتار و میزان تلاش و تدابیر اتخاذشده توسط دولت صادرکننده (Due diligence measures) است، نه لزوماً تحقق یا عدم تحقق یک نتیجه مادی خاص؛ بنابراین، قصور در راهبری یک فرآیند ارزیابی ریسک ساختارمند و بی‌طرفانه، مستقلاً به معنای نقض این تعهد اولیه و تجلی عینی یک «ترک فعل متخلفانه» (Wrongful Omission) است (کدخدایی و حیدری، ۱۴۰۲، ۷۹).

دوم) قطع پشتیبانی‌های فنی، نرم‌افزاری و عدم ارائه قطعات یدکی حیاتی که استمرار کارایی آن تسلیحات را ناممکن می‌سازد.

سوم) اعمال فشارهای دیپلماتیک و حقوقی برای بازگرداندن تسلیحات منحرف‌شده یا بازخواست مقامات خاطی کشور مقصد (لایانکو، ۲۰۲۲، ۲۱۸).

تحلیل رابطه میان ماده ۷ معاهده تجارت تسلیحات و قواعد ثانویه مسؤولیت دولت‌ها تأیید می‌کند که ترک فعل در اعمال نظارت مابعد انتقال، مرزهای معاونت در جرم (Complicity) را جابه‌جا می‌کند (معاهده تجارت تسلیحات، ۲۰۱۳ ماده ۷ و کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC)، ۲۰۰۱، ماده ۱۶).

در قضایای معاصری همچون استمرار ارسال تسلیحات به ائتلاف نظامی در جنگ یمن یا تأمین قطعات یدکی جنگنده‌ها در بحران غزه، دکترین حقوقی استدلال می‌کند که حتی اگر در زمان صدور مجوز اولیه (سال‌ها قبل) هیچ خطری پیش‌بینی نمی‌شد، اما استمرار پشتیبانی فنی و لجستیکی مابعد انتقال در حین وقوع نقض‌های فاحش و سیستماتیک، مصداق بارز «تسهیل مادی مجرمانه» است (کلافام و همکاران، ۲۰۱۶، ۲۴۴-۲۸۵).

تصمیمات اخیر محاکم اروپایی که دولت‌ها را ملزم به توقف صادرات قطعات نظامی مابعد انتقال کرده‌اند، نشان‌دهنده شکل‌گیری یک رویه قضایی منسجم است که پایش مابعد انتقال را نه یک گزینه اختیاری دیپلماتیک، بلکه یک تعهد صلب، عینی و فرامرزی حقوقی تلقی می‌کند که نقض آن، مسؤولیت مستقل دولت صادرکننده را به‌عنوان شریک مادی فجایع انسانی محقق می‌سازد (فلسفی، ۱۴۰۲، ۲۱۸؛ کرافورد، ۲۰۱۳، ۲۵۲).

پشتوانه قضایی این استدلال را می‌توان در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) به وضوح بازبایی کرد. دیوان در قضیه کاربرد کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی (بو سنی علیه صربستان، ۲۰۰۷) صراحتاً استدلال نمود که تعهد به پیشگیری، تعهدی مستقل از تعهد به مجازات است و دولت‌ها به محض آگاهی یا وجود دلایلی که باید به واسطه آن‌ها از خطر وقوع جرم آگاه می‌شدند، مکلف به اقدام هستند. دیوان تأکید کرد که یک دولت ممکن است به دلیل عدم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه مسئول شناخته شود، حتی اگر نتوان اثبات کرد که اقدامات او قطعاً مانع از وقوع نتیجه نهایی می‌شد (گزارش‌های دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲۰۰۷، ۲۲۱).

تعمیم این دکرترین قضایی به حوزه حقوق بین‌الملل تسلیحات، به این معناست که «سستی در نظارت» یا اصطلاحاً «ترک فعل نظارتی» در فرآیند صدور مجوز، ماهیتی کاملاً مستقل از اقدامات مادی دولت واردکننده در میدان نبرد دارد. این رویکرد، پناهگاه حقوقی دولت‌های صادرکننده را که غالباً با استناد به «فقدان کنترل مؤثر بر نحوه به‌کارگیری سلاح در مقصد» از خود سلب مسئولیت می‌کردند، فرو می‌ریزد؛ چراکه در این پارادایم، موضوع دعوا، نحوه رفتار دولت واردکننده نیست، بلکه قصور سیستماتیک خود دولت صادرکننده در پایبندی به استانداردهای بنیادین ارزیابی خطر پیش از انتقال است (مقتدر، ۱۴۰۱، ۱۵۴).

۵-۴-۱. مسئولیت ناشی از معاونت در عمل متخلفانه (ماده ۱۶)

بر اساس ماده ۱۶ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱)، هرگاه دولتی با علم به اوضاع و احوال موجود در ارتکاب فعل متخلفانه دولت دیگر مساعدت یا معاونت کند، مسئول شناخته می‌شود. در حوزه صادرات تسلیحات، تعهد دقت لازم استانداردهای احراز «علم» را دگرگون کرده است. دولتی که مکلف به ارزیابی خطر است، نمی‌تواند مدعی «جهل ارادی» شود. فرآیند ارزیابی خطر ناشی از دقت لازم، نوعی «علم حکمی و مفروض» برای دولت ایجاد می‌کند و در صورت نادیده گرفتن آن، مسئولیت معاونت محقق می‌شود (ممتاز، ۱۳۹۸، ۸۲). این دگرگونی در مفهوم «علم» (Knowledge)، مرزهای سنتی مسئولیت ناشی از معاونت را جابجا کرده است. در تفسیر کلاسیک کمیسیون حقوق بین‌الملل از ماده ۱۶، احراز مسئولیت دولت معاون، منوط به وجود «قصد مشترک» (Intent) یا دست‌کم آگاهی قطعی از وقوع فعل متخلفانه بود (کرافورد، ۲۰۰۲، ۱۴۹).

با این حال، در بستر حقوق بین‌الملل معاصر و با ورود معاهدات خاص مانند معاهده تجارت تسلیحات (ATT) و توسعه قواعد عرفی حقوق بشردوستانه، آستانه احراز علم از «قطعیت مطلق» به «آگاهی از وجود ریسک شدید و نظام‌مند» تنزل یافته است (موسوی و قاسمی، ۱۴۰۱، ۴۵). در واقع، هنگامی که گزارش‌های مکرر نهادهای نظارتی سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی معتبر، وقوع جنایات جنگی در یک منطقه را تأیید می‌کنند، استمرار ارسال تسلیحات دیگر یک اقدام تجاری خنثی نیست، بلکه مصداق بارز «تسهیل آگاهانه» جرم تلقی می‌شود.

کمیسیون حقوق بین‌الملل) استوار بود، تحقق مسئولیت دولت صادرکننده سلاح منوط به احراز سه عنصر کلیدی بود: وقوع یک فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت واردکننده، انتساب آن فعل به دولت مزبور و وجود رابطه سببیت مستقیم میان سلاح ارسالی و خسارت وارده. این رویکرد اثبات‌گرایانه عملاً کارآمدی حقوق بین‌الملل را در مواجهه با فجایع انسانی مخدوش می‌ساخت؛ چراکه دولت‌های صادرکننده می‌توانستند با پنهان شدن پشت پیچیدگی‌های زنجیره تأمین و ابهامات مربوط به رابطه سببیت، از پاسخگویی بگریزند.

در مقابل، الگوی پیشگیرانه (Preventive Model) با تکیه بر «اصل پیشگیری» (Prevention) (Principle) و تعهد دقت لازم (Due Diligence)، تمرکز خود را بر دوره‌ای قرار می‌دهد که هنوز خسارتی واقع نشده است. در این پارادایم نوین، نظام حقوقی از وضعیت «جبران‌محور» به وضعیت «ریسک‌محور» تغییر ماهیت می‌دهد. در حوزه تجارت تسلیحات، این تحول به این معناست که «موضوع تعهد» حقوقی دولت، خودداری از فروش سلاح در زمان وجود «ریسک غیر قابل قبول» (Substantial Risk) است، نه لزوماً خودداری از مشارکت در جرمی که پیش‌بینی آن قطعی است.

بنابراین، نقض تعهد حقوقی دولت صادرکننده، در همان لحظه‌ای محقق می‌شود که ارزیابی ریسک را به‌درستی انجام نداده یا علیرغم وجود شواهد عینی از احتمال وقوع نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه، مجوز صادرات را صادر کرده است؛ حتی اگر تسلیحات مذکور هرگز در عملیات جنگی به کار گرفته نشوند. این نوع مسئولیت که تحت عنوان

از سوی دیگر، تعهد به دقت لازم (Due Diligence) به‌عنوان یک تعهد رفتاری، بار اثبات دعوا را بازتعریف می‌کند. در این چارچوب، دولت صادرکننده نمی‌تواند منفعلانه منتظر بماند تا مدارک انکارناپذیر از سوءاستفاده از تسلیحات به دست آید، بلکه مکلف به راستی‌آزمایی پویا و مستمر است (شایگان، ۱۳۹۹، ۱۱۲). نقض این تعهد رفتاری، به‌مثابه ایجاد یک «فرض حقوقی» بر آگاهی دولت صادرکننده از پیامد اقدامات خود است. بنابراین، پیوند میان اصل دقت لازم و ماده ۱۶ طرح مسئولیت، نوعی «مسئولیت ناشی از غفلت ساختاری» را پدید می‌آورد؛ چراکه تقصیر دولت صادرکننده در عدم اجرای ارزیابی ریسک، مستقیماً به رکن روانی (علم و عمد حکمی) لازم برای تحقق معاونت در فعل متخلفانه تسری می‌یابد (لو، ۲۰۲۰، ۲۱۱).

۵-۴-۲. تحول از مسئولیت واکنشی به مسئولیت پیشگیرانه

یکی از مهم‌ترین تحولات حقوق بین‌الملل معاصر، انتقال تدریجی از الگوی سنتی مسئولیت پسینی (واکنشی) به الگوی مسئولیت پیشگیرانه است. در این چارچوب، دولت‌ها موظفاند پیش از وقوع نقض، اقدامات لازم برای جلوگیری از آن را اتخاذ کنند. اصل دقت لازم مبنای این تحول پارادایمی است که مسئولیت را از تمرکز صرف بر مجازات خاطی، به سمت حمایت از قربانیان احتمالی سوق می‌دهد (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۱، ۳۲۵).

این گذار مفهوم‌شناختی، ساختار مادی و روش‌شناختی مسئولیت بین‌المللی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. در مدل سنتی و واکنشی که بر مدار حقوق مسئولیت کلاسیک (رویه‌ی سنتی

«مسئولیت ناشی از ایجاد خطر» (Risk-creation Liability) در دکتترین معاصر به رسمیت شناخته شده، تجلی عینی ارتقاء ارزش‌های جامعه بین‌المللی از منافع متقابل دولتی به سمت حمایت از هنجارهای آمره (Jus Cogens) و صیانت از کرامت انسانی است (فلسفی، ۱۴۰۲، ۱۸۴).

۶. نتیجه

بررسی قواعد حقوق بین‌الملل معاصر نشان می‌دهد که دولت‌های صادرکننده سلاح صرفاً بازیگران اقتصادی یا تجاری محسوب نمی‌شوند، بلکه در قبال پیامدهای احتمالی انتقال تسلیحات نیز دارای مسئولیت حقوقی هستند. اصل دقت لازم که در معاهدات بین‌المللی، رویه قضایی و دکتترین حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته، دولت‌ها را مکلف می‌کند خطرات ناشی از صادرات تسلیحات را به‌طور جدی ارزیابی کنند. در صورت وجود احتمال قابل توجه استفاده از تسلیحات در ارتکاب نقض‌های شدید حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه بین‌المللی، دولت صادرکننده موظف به خودداری از انتقال است.

ادعای جهل ارادی دولت‌ها در برابر گزارش‌های مستند بین‌المللی پیرامون وقوع جنایات جنگی در مناطقی چون غزه و یمن دیگر مسموع نیست. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مسئولیت دولت‌های صادرکننده سلاح در حقوق بین‌الملل معاصر از چارچوب سنتی انتساب مستقیم فراتر رفته و به سمت نظامی مبتنی بر پیشگیری، دقت لازم و پاسخگویی توسعه یافته است. این تحول مفهومی در نظام مسئولیت بین‌المللی، نشان‌دهنده گذار از «مسئولیت پسینی و مبتنی بر خطا» به سمت «مسئولیت پیشینی و مبتنی بر ریسک» است.

در واقع، دکتترین حقوق بین‌الملل معاصر با بازخوانی ماده ۱۶ طرح مواد مسئولیت دولتها (قانون کمیسیون حقوق بین‌الملل - ARSIWA) در پرتو معاهده تجارت تسلیحات (ATT)، به تفسیری پویا از مفهوم «معاونت و مساعدت در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی» دست یافته است. این تفسیر جدید، استاندارد احراز معرفت و آگاهی (Knowledge) دولت صادرکننده را ارتقا داده و «غفلت سازنده» یا چشم‌پوشی عمدی بر واقعیات عینی را مصداق نقض تعهدات بنیادین بین‌المللی قلمداد می‌کند.

علاوه بر این، فرآیند ارزیابی ریسک در بستر «اصل دقت لازم»، دیگر یک اقدام تشریفاتی یا صلاح‌دیدی در حوزه سیاست خارجی دولت‌ها نیست، بلکه یک «تعهد به وسیله» (Obligation of Conduct) عینی و الزام‌آور حقوقی است. عدم پایبندی به این فرآیند، مستقلاً و فارغ از اینکه تسلیحات ارسالی در نهایت در چه مقیاسی به کار گرفته شوند، واجد وصف متخلفانه بودن است.

از این منظر، بحران‌های انسانی در مناطقی نظیر غزه و یمن، محک و آزمون جدی برای کارآمدی نهادهای نظارتی بین‌المللی و منطقه‌ای محسوب می‌شوند و نشان می‌دهند که شکاف میان «تقنین» و «اجرا» در این حوزه همچنان پابرجاست. در نهایت، پویایی‌های حقوق بین‌الملل معاصر ایجاب می‌کند که برای عبور از بن‌بست‌های ناشی از مصلحت‌گرایی‌های سیاسی دولت‌های بزرگ، مکانیسم‌های قضایی ملی و فراملی (مانند دیوان کیفری بین‌المللی و محاکم داخلی تحت دکتترین صلاحیت جهانی) فعال‌تر شوند.

توسعه رویه قضایی در محکومیت شرکت‌های خصوصی تسلیحاتی و مقامات دولتی صادرکننده مجوز، می‌تواند ضمانت اجرای مؤثری برای این رژیم مسئولیت نوین فراهم کند. آینده حقوق بین‌الملل تسلیحات در گروی تحکیم این پیوند میان مسئولیت دولت، حقوق بشر و پاسخگویی کیفری فردی است تا بدین وسیله، تجارت مرگبار سلاح در لوای حاکمیت قانون مهار گردد.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

الف. منابع فارسی

- زمانی، سید قاسم، «تعهد به پیشگیری در حقوق بین‌الملل معاصر: نظام‌سازی حقوق مسئولیت بر مبنای ارزیابی ریسک»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاه و یکم، شماره سوم، ۱۴۰۰.

- شایگان، فریده، تحول مفهوم تعهد به دقت لازم در حقوق بین‌الملل معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ هفتاد و هشتم، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۱.

- فلسفی، هدایت‌الله (۱۴۰۲)، سیر تحول حقوق بین‌الملل: از نظام دولتی به جامعه انسانی، تهران: نشر نو.

- کدخدایی، عباس‌علی و حیدری، ابودر، «جایگاه ترک فعل در تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها با تأکید بر تعهد دقت لازم»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره بیست و هشتم، شماره صد و دو، ۱۴۰۲.

- ممتاز، جمشید، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۸.

- ممتاز، جمشید، حقوق بین‌الملل معاصر و چالش‌های پیش‌رو، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۸.

- مقتدر، محمدرضا، رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری در تنظیم نظام مسئولیت بین‌المللی، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۴۰۱.

- موسوی، سید فضل‌الله و قاسمی، احمد، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از انتقال تسلیحات در پرتو معاهده تجارت تسلیحات ۲۰۱۳»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره سی و نهم، شماره شصت و هشتم، ۱۴۰۱.

ب. منابع لاتین (کتب، مقالات و پایان‌نامه)

- Aust, A, *Modern Treaty Law and Practice* (3rd ed.), Cambridge University Press), 2014.

- Bartolini, G, "Due Diligence in International Law: A Useful Renaissance or all things to all people? " *European Journal of International Law*, Vol. 35, No. 4, 2024.

- Clapham, A & Casey-Maslen, S (Eds.), *The Arms Trade Treaty: A Commentary*, Oxford University Press, 2014.

- Clapham, A; Casey-Maslen, S; Giacca, G & Parker, *The Arms Trade Treaty: A Commentary*, Oxford University Press, 2016.

- Crawford, J, *The International Law Commission's Articles on State Responsibility: Introduction, Text and Commentaries*, Cambridge University Press, 2002.

- Crawford, J, *State Responsibility: The General Part*, Cambridge University Press, 2013.

- Falhbusch, M & Danssaert, P, *Post-Shipment Control of Small Arms and Light Weapons*, Institute for International Peace Information Service (IPIS), 2022.

Applying International Law and International Human Rights Law Criteria-A Practical Guide (2nd ed.)

- International Law Commission. (2001). *Draft articles on responsibility of State for internationally wrongful acts, with commentaries*. In *Yearbook of the International Law Commission 2001* (Vol, II, Part Two). United Nations.

- International Court of Justice (2007). *Case Concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro)*, Judgment, ICJ Reports.

- Arms Trade Treaty (2013), *United Nations Treaty Series*, 3013.

- Gray, C, *International Law and the Use of Force* (4th ed.), Oxford University Press, 2018.

- Hessbruegge, J. A, "The Concept of Due Diligence in the UN Guiding Principles on Business and Human Rights". *European Journal of International Law*, Vol. 28, No. 3, 2017.

- Labianco, R, *Public International Law and the Responsibility of Arms-Exporting States*, PhD Thesis, SOAS University of London, 2022.

- Lizarazo Rodriguez, L & Falhbusch, M, *Due Diligence and Corporate Accountability in the Arms Value Chain*, Institute for International Peace Information Service (IPIS), 2024.

- Lowe, V, "State Responsibility for Assistance to Wrongful Acts: The Evolution of Article 16", *British Yearbook of International Law*, Vol. 90, No. 1, 2020.

- Moynihan, H, *Aiding and Assisting: The Mental Element in State Responsibility*, Chatham House Report, 2019.

- Shaw, M. N, *International Law* (9th ed.), Cambridge University Pres, 2021.

ج. معاهدات، اسناد قضایی و اسناد بین‌المللی

- Corfu Channel (United Kingdom v. Albania). (1949). *ICJ Reports*.

- International Court of Justice (2024). *South Africa v. Israel (Provisional Measures)*, Order of 26 January 2024.

- International Committee of the Red Cross. (2017). *Aams Transfer Decisions*: